

حبس زن.

### میراثی برای فردای دختران و بانوان ایران

اودر پاسخ به این پرسش که میراث رهبر شهید برای زنان چیست، می‌گوید: به طور خلاصه میراث ایشان، بازگرداندن زن مسلمان به جایگاه حقیقی خود در هندسه تمدن اسلامی است. ایشان به ما آموختند که می‌توان هم مادر بود و هم مؤثر در عرصه‌های علمی و اجتماعی؛ می‌توان حجاب را حفظ کرد و در عین حال، در نوک قله‌های علم و فناوری ایستاد؛ می‌توان از عاطفه زنانه برای ساختن خانواده‌ای گرم استفاده کرد و در عین حال، از عقل و اراده برای تغییر معادلات فرهنگی و سیاسی جامعه بهره گرفت.

دکتر نجم می‌گوید: شاید یکی از صادقانه‌ترین شیوه‌های بزرگداشت ایشان این باشد که زنان و دختران ما، با مرور اندیشه‌های رهبر معظم شهید و منظومه فکری و عملی ایشان درباره «زن، خانواده و تمدن»، یک بار دیگر هویت خود را بازتعریف کنند. اگر این اتفاق بیفتد، خون رهبر شهید، نه فقط در تاریخ سیاسی، بلکه در سبک زندگی و آینده دختران ایران و چه بسا حق طلبان جهان جاری خواهد شد.

مشاور طرح و برنامه مدیر جامعه الزهرا (س) اشاره می‌کند: جامعه الزهرا (س) هم مثل همه نهادها و همه مردم ایران، بروح و وحدت و همگرایی و همدلی در فضای فعلی تأکید دارد. سیاست و رویکرد ما تأکید بر سوگواره ایمان و بصیرت، سوگ حماسه بخش و اقتدار آفرین بود. این نهاد علمی متناسب با تقویم ملی و مذهبی و متناسب با شرایط و نیاز و اقتضات این روزهای کشور، تقویمی را آماده کرد که عنوان گذاری مسیر کنشگری برای ۴۰ روز با عنوان «چله اقتدار و استقامت» طراحی شد. با تهیه یادداشت روزانه به انضمام بسته پشتیبان چند رسانه‌ای، هشتک گذاری و تأکید در همه موارد به افزودن انسجام، همدلی، جذب و جلب حداکثری، فضا سازی از خانه و خانواده تا محله و مسجد و سطوح اجتماعی، تأکید بر حمایت و پشتیبانی از تصمیم خبرگان و شورای رهبری موقت و مسئولان کشوری و لشگری مورد عنایت بوده است. دغدغه این بوده که مشترک برای کل ایران و خانواده بزرگ جامعه الزهرا (س) مسیر کنشگری فردی، خانوادگی، اجتماعی با توجه به طیف‌های مختلف کودک و نوجوان و جوان و خانواده بر اساس این مسیر و نقشه راه اولیه تعریف شود.



کند که هم در علم و فناوری پیشرو است و هم در هویت اسلامی ریشه دار. رهبر شهید، دقیقاً همین ترکیب را برای آینده دختران ایران می‌خواستند.

### از روایت‌های شخصی تا مسئولیت‌های تمدنی

دکتر نجم با اشاره به خاطرات خانواده شهدا و بانوان انقلابی خاطرنشان می‌کند: وقتی به روایت‌های همسران و دختران شهدا از دیدارهای خصوصی با رهبر شهید گوش می‌دهیم، یک خط مشترک در همه آن‌ها دیده می‌شود: توجه رهبر شهید به جزئیات زندگی زنانه، بدون تقلیل دادن زن به این جزئیات. ایشان درباره تحصیل دختر شهید، درباره انتخاب همسر، درباره ادامه کار فرهنگی بعد از ازدواج، و حتی درباره تربیت فرزندان توصیه‌های دقیق و عملی می‌دادند. اما در کنار این، دائماً نگاه را بالا می‌بردند و از «رسالت تمدنی» زن سخن می‌گفتند؛ اینکه هر مادر، در خانه خود، در حقیقت در «کارخانه انسان سازی تمدن اسلامی» مشغول است. این پیوند بین زیست شخصی و رسالت تمدنی، همان چیزی است که می‌تواند از زن مسلمان امروز، یک شخصیت چندلایه و جامع بسازد؛ زنی که هم نسبت به اقتصاد و فرهنگ و سیاست جامعه‌اش دغدغه دارد، هم نسبت به تربیت فرزند و استحکام خانواده‌اش. رهبر معظم شهید، با زبان بیانات و رفتار، به ما یاد دادند که این دو عرصه، از هم جدایی‌ناپذیرند؛ نقطه عزیمت تمدن است، نه نقطه

از قبل از جذب تا فرادانش آموختگی، نقشه راه داشت و مستمر سطح ادراکی، مهارتی، معارفی، معرفتی و کنشگری آن‌ها را متناسب با رسالت‌های متنوع ارتقا داد.

### زن، فناوری‌های نوین و جهاد تبیین

پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهرا (س) درباره نسبت زن مسلمان و فناوری‌های جدید تأکید می‌کند: برخلاف برداشت‌های سطحی، رهبر شهید انقلاب به فضای مجازی و فناوری‌های نوین یک نگاه تهدید محور نداشتند، تهدید اصلی از نگاه ایشان، رهاشدگی و بی‌ضابطگی در استفاده از این ابزارها بود. دختران و زنان را تشویق کردند که در عرصه‌های علمی پیشرفته، از جمله هوش مصنوعی، نانو، پزشکی نوین و علوم انسانی اسلامی، حضور جدی و فعال داشته باشند. در عین حال هشدار می‌دادند که اگر این حضور، بدون هویت دینی و بدون درک رسالت تمدنی باشد، الگوهای غربی تبدیل شود که سال‌هاست به بن بست رسیده‌اند.

او اضافه می‌کند: جهاد تبیین، که به عنوان یکی از کلیدواژه‌های مهم در سال‌های آخر رهبری ایشان مطرح شد، برای زنان یک فرصت تاریخی است. زن مسلمان، به دلیل جایگاهش در خانواده و شبکه‌های اجتماعی، طبیعتاً یک رسانه زنده است. اگر این رسانه، با سواد، آگاه، عمیق و متصل به معارف ناب باشد، می‌تواند نسلی را تربیت

را تفسیر کرد. جذب حداکثری در یک مدل واحد فعلی، مورد نظر رهبر معظم شهید نبوده و نیست. سال‌هاست که دغدغه‌مندیم که لازم است حوزه‌های علمیه متناسب با طیف‌ها، تیپ‌ها، نیازهای مختلف مخاطبان، چندین مدل جذب و پذیرش با ورودی و خروجی‌های متنوع داشته باشد. به عبارتی «جذب و پذیرش حداکثری»، یعنی بتوانیم برای نیازهای مختلف مخاطبان متنوع و کارآمد برنامه‌ریزی کنیم تا جذب حداکثری تأثیرگذار محقق شود. برای بانوانی که صرفاً علاقه‌مند هستند یک همسر و مادر فریخته و کارآمد باشند، یک مدل پذیرش و برنامه داشته باشیم، برای علاقه‌مندان به تبلیغ و ترویج و کنشگری، یک مدل جذب و برنامه مسیر تحصیل داشته باشیم، برای محققان و پژوهشگران، جذب و مسیر تحصیل تخصصی طراحی کنیم، برای پرورش مجتهدین و مرجعیت علمی در میان بانوان هم در یک ریل دیگری جذب و پیشبرد برنامه داشته باشیم. الان اشکال در این است که همه نیازها و استعدادها و ذائقه‌ها در یک مسیر ورودی و خروجی تحصیل می‌کنند، هر چند که در مسیر برنامه‌های متنوع برای آن‌ها برنامه‌ریزی می‌شود. اما نکته آن است که می‌شود با یک مدل مدبرانه و به‌روز، جذب و پذیرش حداکثری و متنوع را بر اساس هدف گذاری‌های مختلف برنامه‌ریزی کرد و پیش‌برد تا از همان ابتدا با یک برنامه اشتراکی، برنامه اقتضائی و برنامه اختصاصی و مکمل، مسیر کارآمدی طلاب را آینده‌نگرانه مدیریت و راهبری کرد. ما معتقدیم باید برای طلاب